**گرامی داشت نوروز به عنوان حقوق فرهنگی بشر**

**دکتر محمود مسائلی**

به احترام همه آنهایی که با گرامی داشت نوروز شادی و احساس خوشبخت بودن را به دلهای مردم روانه می سازند.

پرسش ها: چرا باید بزرگداشت نوروز را به عنوان حقوق بشر گرامی داشته و در جهت احترام به این آیین هویتی ملی، اجرا، و ترویج و پیشبرد آن همه مساعی لازم را بکار برد؟ آیا رابطه ای میان بزرگداشت نوروز، و دیگر آیین های هویتی، با زندگی سرشار از شادی وجود دارد؟ آیا مردم می توانند شادی را به عنوان حقوق بشر ذاتی خود به حساب آورند؟ آیا براستی شاد بودن حقی بشری است؟ چگونه این حق توانسته است جایگاه خود را در گفتمان حقوق بشر پیدا کند؟ چه اسناد حقوقی بین المللی، و همچنین ساز وکارهای متناسب با آن، حق مردم برای شاد بودن برای یک زندگی بهتر را به عنوان حقوق بشر به رسمیت شناخته اند؟ چرا اساسا مردم باید شاد باشند تا بتوانند مفهوم زندگی خوب را دریابند؟

**طرح موضوع**

در دو مقاله که پیشتر با عناوین نوروز و مهرورزی به عنوان حقوق بشر در اختیار علاقه مندان قرار گرفت، استدلال شد که گفتمان حقوق بشر این آیین فرهنگی و هویتی را به عنوان ضرورت احترام به حقوق ذاتی انسانها به رسمیت شناخته و به همین دلیل روز بیستم ماه مارس را به عنوان روز جهانی خوشبختی به رسمیت شناخته است. همچنین رابطه میان احترام به آیین و سنن ملی با ضرورت شناسایی حقوق ملتها برای توسعه یافتگی اصیل و همه جانبه خود پیوند داشته است. قطعنامه شماره ۳۰۹/۶۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۱ با عنوان "خوشبختی: رویکردی همه جانبه برای توسعه یافتگی"[[1]](#footnote-1) تصریح می کند که حق مردم برای شاد زیستن یک هدف اساسی بشری است. بنابراین تئوری ها و برنامه های توسعه که پیشرفت های اقتصادی را به عنوان ملاک ومعیار رفاه مادی و عادی مردم در نظر می گیرند، نمی توانند درک صحیحی از مفهوم خوشبختی داشته باشند. در نتیجه، مجمع عمومی کشورهای عضو ملل متحد را فرا می خواند تا در تدوین سیاست‌های عمومی خود، برنامه هایی را در نظر گیرند که اهمیت پیگیری شادی و رفاه در توسعه را بهتر نشان دهد. شاد بودن به عنوان ضرورت اجتناب ناپذیر مفهوم زندگی خوب نه تنها حق ذاتی همه مردم می باشد، یک چنین حقی در دایره مرکزی مفهرم توسعه پایدار نیز قرار می گیرد. این نگرشی به توسعه یافتگی ملتهاست که در آن مفهوم زندگی کردن با ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی آمیخته و برآیند توسعه یافتگی را در شاد بودن مردم به عنوان شاخص خوشبختی آنها در نظر می گیرد.

یک مثال شاید بهتر بتواند این موضوع را توضیح دهد. هرگاه از فقر و مشقت اقتصادی سخنی به میان آید، اغلب این تصور شکل می گیرد که فقر به معنی رنج بردن از مشکلات مادی زندگی و سختی های همراه با آن می باشد. این در حالی است که فقر فرهنگی و هویتی بر این تصور عادی پیشی می گیرد. فقر نه تنها بر عدم توانمندی به نیازهای عادی یک زندگی معمولی و با حد اقل استانداردهای رفاهی دلالت دارد، از همه مهمتر در برگیرنده شرایطی است که به موجب آن مردم نمی توانند در انتخاب زندگی خود و فلسفه ناظر بر آن آزادی داشته و از این حقوق ابتدایی طبیعی خود بهره مند شوند. سازمان ملل متحد به این موضوع توحهی نسبی، اما ناکافی داشته است. "به طور خاص، اندازه گیری فقر تنها بر اساس درآمد در ارزیابی سطوح فقر واقعی، که با عوامل تعیین کننده دیگری مانند عدم دسترسی به خدمات اولیه، تبعیض یا طرد اجتماعی مرتبط است، ناکافی تلقی می شود".[[2]](#footnote-2) علاوه بر این، فاصله و واگرایی بین سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی و عدم نظارت بر تأثیرات اجتماعی سیاست‌های اقتصادی بارها در سازمان ملل متحد و فراتر از آن مورد تأکید قرار گرفته است. به همین دلیل هم برخی از ارگانهای زیر مجموعه ملل متحد، و هم سازمانهایی فراتر از آنها همواره تاکید کرده اند که رفاه و خوشبختی مفاهیمی هستند که ابعاد و ویژگی های فرهنگی و اجتماعی مردم آمیخته اند. کمیته محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷[[3]](#footnote-3)، برنامه توسعه ملل متحد، و کمیته سنجش عملکرد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی، یادآوری نموده اند که مفهوم خوشبختی نمی بایست به رفاه مادی محدود شود. گو اینکه برای این ارگانهای ملل متحد محرومیت و فقر هنگامی چهره خود را نشان می دهد که مردم نتوانند، و حق نداشته باشند، در انتخاب شیوه زندگی خود مشارکت داشته باشند. در سند نهایی کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد توسعه پایدار، با عنوان "آینده ای که ما می خواهیم"[[4]](#footnote-4)، این ابعاد مفهوم خوشبخت بودن و زندگی عادی خوب داشتن مورد توجه قرار گرفته است.

متفکران این حوزه نیز ضرورت درک صحیحی از مفهوم عدم توانایی ادراک زندگی خوب به عنوان محرومیت و فقیر بودن فکری و فرهنگی را یادآوری نموده اند. دنی گوله، شاخص ترین چهره این نگرش است که توضیح می دهد عدم توانایی در انتخاب نوع زندگی و تلاش برای رسیدن به آن، به عنوان ساختاری اجتماعی که به شکل گیری وضعیت و یا شرایط ناتوانی منجر شده است، به مردم تحمیل شده است. بنابراین مفهوم فقیر بودن را باید فراتر از معنی عادی و رایج کلمه برای تامین نیازهای مادی زندگی تصور کرد. فقر و ناتوانی برآمده از شرایطی است که مردم در آن خود را "ناامید"[[5]](#footnote-5) و "ناتوان"[[6]](#footnote-6) می بینند. در کتابی با عنوان *انتخابی بی رحمانه: مفهومی نوین در تئوری توسعه[[7]](#footnote-7)*، گوله توضیح می دهد که هر نوع مفهومی از خوشبختی و سعادت برای انسانها باید با توسعه یافتگی انسانی همراه باشد. یعنی اینکه اساسا نمی توان رفاه و خوشبختی فراتر از معنی رایج کلمه را توضیح داد مگر اینکه تصدیق نماییم که این مفاهیم متعالی با انسان بودن و حقوق ذاتی او برای تعریف و شیوه زندگی مورد نظر او همراه است. هرگاه مردم نتوانند از این توسعه یافتگی، یعنی توانمند بودن برای تصمیم گیری در مورد زندگی خود، برخوردار شوند، آنها فاقد توانایی برای تصمیم گیری و ناامید از زندگی می شوند. این شرایطی است که به موجب آن مردم از نقطه نظر فرهنگی آسیب پذیر شده اند. منظور از این آسیب پذیری این است که "ارزشهای فرهنگی بسیاری از جوامع ویران شده است". موضوع اصلی این است که "هر جامعه‌ای باید احساس کند که ارزش‌های که اهمیت حیاتی دارند، محترم شمرده می شود، تا قادر باشند با اعتماد به توانایی‌های خود آینده‌ای قابل اعتماد را آغاز کنند".[[8]](#footnote-8)

این نظریات خیلی شبیه که نظریه ارسطویی خوشبختی است که معنی یک چنین مفهوم آرمانی را فراتر از رضایت خاطر مادی، بلکه احساس هدف در زندگی، استقلال فکری، و عزت نفس، جستجو می کند. یعنی اینکه هر نوع مفهومی از خوشبخت بودن در زندگی می بایست با هدفی والا در زندگی تعریف شود که در مرکز آن احساس انسان بودن و شکوفایی انسانی قرار دارد.[[9]](#footnote-9)

این مفاهیم متعالی در باره مفهوم خوشبخت بودن، از زندگی لذت بردن، و معنی رفاه و آسایش را درک کردن، مورد توجه ملل متحد قرار گرفته است. دبیرکل ملل متحد در گزارش سال ۲۰۱۳ خود توضیح می دهد که " اندازه‌گیری خوشبختی و رفاه مستلزم برقراری تمایز میان خوشبختی ذهنی، که به خوشبختی عاطفی نیز موسوم است، و به شادی‌ها و غم‌های روزمره مربوط می‌شود، و مفهوم خوشبختی ارزیابی‌کننده که با ابعاد اساسی زندگی ارتباط دارد برقرار شود. این دومی به رضایت یا نارضایتی از جایگاه خود در جامعه، به عنوان مثال، سلامتی، اعتماد به نهادها، جامعه ای با نشاط و سراسر پر جنب و جوش، ارتباط دارد. به طور کلی توافقی وجود دارد که نگرش ترکیبی، یعنی ابعاد ذهنی و ارزیابی کننده مفهوم خوشبختی، باید معیار ارزیابی سیاست گذاری ها باشد".[[10]](#footnote-10)

پیشتر سیاستمدار هلندی، سیکو منشالت[[11]](#footnote-11) که از سال ۱۹٧۲ تا ۱۹٧۳ ریاست چهارمین دوره کمیسیون اروپا را به عهده داشت، مفهوم خوشبختی مردم را برای اندازه گیری توسعه یافتگی ملتها ابداع کرده بود. طبق این نگرش جدید معیارهای اقتصادی و ثروت نمی توانند برای ارزیابی سعادت مردم و ملتها کافی باشند. علاوه بر این تمرکز بیش از حد بر معیارهای اقتصادی مانند درآمد، ممکن است برای درک صحیح سعادت و خوشبختی زیانبار باشد. بنابراین باید به عواملی مثل حق انتخاب مردم، سرگرمی ها، عدالت اجتماعی هم توجه داشت. به عبارت دیگر علاوه بر ابعاد اقتصادی، عوامل اجتماعی، سیاسی، و انسانی هم نقش موثر دارند. در نامه ای خطاب به کمیسیون اروپا با عنوان "رشد خوشبختی ملی، و نه رشد ناخالص ملی"، سیکو ابعاد دقیقتر این نظریه را توضیح داده بود.[[12]](#footnote-12)

**آیین های ملی به عنوان حقوق بشر**

اگر احساس خوشبخت بودن باید فراتر از دایره تنگ و نارسای رایج کلمه تعریف شود، تنها عامل تعیین کننده یک چنین مفهومی انسانی می باشد که قادر و توانمند است با دسترسی داشتن به میراث فرهنگی و ملی خویش ، خواه ملموس و خواه نا ملموس در زندگی فرهنگی خود مشارکتی فعال داشته باشد.[[13]](#footnote-13) او باید بتواند با استعانت از پیش زمینه های فرهنگی برآمده از نیاکان خویش، و با خلق انواع گوناگون اثار هنری و فرهنگی هویت خود را توسعه و تعالی بخشیده و آنرا با دیگران در تعامل قرار دهد تا بتواند خویش خویش را در طریقی همپرسه[[14]](#footnote-14) و در چارچوبه ای کلیم وار[[15]](#footnote-15) مورد ارزیابی قرار دهد. درحقیقت، برخورداری از میراث ملی و فرهنگی به منزله فرآیندی است که از طریق آن نه فقط هویت ها شکل به خود می گیرند، بلکه با به نمایش گذاشتن آن می تواند مسیر رشد و شکوفایی را نیز به گونه ای موثق و قائم به ذات انسانی خویش طی نمایند. از اینروی، آیین های ملی و فرهنگی گویای هویت انسانها و زبان نمادین ساختن آن برای درک خویشتن خویش و گویا ساختن آن برای مردمان دیگر می باشد.

اسناد حقوق بشر بین المللی حقوق ذاتی انسانها برای برخورداری از آداب و رسوم، آیین ها و مراسم، و شعائر و سنتهای اجرایی آنرا به رسمیت شناخته اند. برخی از مهمترین ابعاد این شناسایی بین المللی حقوق فرهنگی به عنوان حقوق بشر را در موارد زیر می توان جستجو کرد:

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر ، در بند اول از مقدمه این چارچوبه راهنمایی کننده را فراهم می سازد که شناسایی ارزش و کرامت ذاتی، و همچنین حقوق مساوی و مسلم همه اعضای خانواده بشری، اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است. یعنی اینکه نمی توان هیچ نوع مفهوم روشن و قابل اعتمادی از جامعه سالم و صلح جو را در نظر داشت مگر اینکه همه انسانها بتوانند ارزش ذاتی خویش را بنای هرنوع تصمیم گیری قرار دهند. حال اگر این ارزش ذاتی مورد بی اعتنایی و تحقیر قرار گیرد، تصمیمات و اقدامات وحشیانه ای را باعث می شود که وجدان بشریت را به خشم می آورد. پس باید به جهانی اندیشید که در آن انسان ها از آزادی بیان و عقیده و رهایی از ترس و کمبود ، به عنوان عالی ترین آرزوهای بشری، برخوردار باشند. تنها در پناه یک نگرشی به جهان است که می توان به خوشبختی و توسعه یافتگی ملتها اندیشید. به همین دیل ماده ۲۷ اعلامیه در بند یک اعلام می دارد که " هرکس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی جامعه خویش شرکت کند، از هنرها بهره مند شود، و در پیشرفت علمی و فواید آن سهیم باشد".[[16]](#footnote-16)

۲. اهمیت برخورداری از این حقوق به لحاظ اجتماعی و سیاسی تا بدانجاست که منشور ملل متحد حتی پیش از تعریف رسمی و حقوقی این حقوق، آنرا لازمه جهانی می داند که در آن شرایط لازم برای برخورداری از زندگی صلح آمیز برای همه برقرار شده و موجبات "ارتقای پیشرفت اجتماعی و استانداردهای بهتر زندگی در آزادی بیشتر"[[17]](#footnote-17) نیز آماده و مهیا می شود. بنابراین، برای بنیاد نهادن جهانی مبتنی بر قواعد انسانی و استانداردها رفتاری متناسب با آنها، همه دولتهای عضو ملل متحد باید نه تنها خود را به احترام به حقوق ذاتی انسانها ملزم و متعهد نگهدارند، از همه مهمتر باید این تعهدات را به حسن نیت کامل به عهده گیرند تا بتوانند مشکلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و موضوعات با ویژگی انسانی را حل و فصل نمایند.[[18]](#footnote-18) حال اگر دولتی از انجام این تعهدات سرباز زند، شرایط لازم برای عضویت در مجموعه ملل متحد را از دست می دهد. علاوه براین، نمی تواند از مواهب همکاری های بین المللی برای مردمان خود برخوردار بشود.

۳. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ابعاد حقوقی الزام آوری به حقوق فرهنگی انسان و ضرورت اجرا و پیشبرد آنها در نظر گرفته است. این سند بین المللی که به لحاظ ماهیت خود به منزله میثاقی است که با جهانیان برقرار ساخته، و بنابراین ابعاد جهانمشولی آن حتی فراتر از تعهدات معاهداتی می باشد، دولتها را با این وظیفه مهم آشنا می سازد که باید همه تلاش خود را برای اجرا و ترویج حقوق بشر بکار گیرند. "هر کشور عضو این میثاق متعهد می‌شود بدون هیچ گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا عقاید دیگر، خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد یا وضعیت دیگر، حقوق شناخته شده در این میثاق را برای همه افراد در قلمرو و تابع صلاحیت خود رعایت و تضمین نماید".[[19]](#footnote-19) با برقراری این تعهدات برای دولتها، میثاق در ماده ۱۵ توضیح می دهد که همه دولتهای عضو این میثاق متعهد می باشند حقوق همه هر فردی را برای اولا مشارکت در زندگی فرهنگی، و ثانیا بهره مندی از مزایای پیشرفت علمی و کاربردهای آن، به رسمیت بشناسند. حال اگر برای پیشبرد احترام به این حقوق و اجرایی ساختن آن قواعد و مقرراتی در قانون گذاری ملی موجود نباشد، "هر کشور عضو این میثاق متعهد می باشد تا اقدامات لازم را مطابق با فرآیندهای قانون اساسی خود و با مفاد این میثاق برای تصویب قوانین یا سایر اقدامات لازم که برای اعمال حقوق شناخته شده در این میثاق ضروری هستند، را انجام دهد".[[20]](#footnote-20) پیوستگی غیرقابل گسست این حقوق با آزادی های اساسی مندرج در این میثاق، افراد انسانی را توانمند می سازد تا هرگاه حقوق آنها ضایع شود، بر اساس ماده ۲۸میثاق، و همچنین اولین پروتکل الحاقی، شکایاتی را بر علیه دولت متبوع خود تسلیم نموده و خواهان رسیدگی شوند.

۴. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در گزارش شماره ۲۱ خود که ناظر بر تفسیر و اجرای ماده (۱)۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی می باشد، در بند یک توضیح می دهد که "حقوق فرهنگی جزء لاینفک حقوق بشر است و مانند سایر حقوق جهانشمول که ابعادی جهان روایی دارند، تقسیم ناپذیر و وابسته به یکدیگر می باشد. ترویج کامل و احترام به حقوق فرهنگی برای حفظ ارزش و کرامت انسانی و تعامل اجتماعی مثبت بین افراد و جوامع در دنیایی متنوع و چندفرهنگی ضروری است". گزارش مذکور ادامه می دهد که هر کس حق دارد در زندگی فرهنگی که ارتباط نزدیکی با سایر حقوق فرهنگی مندرج در ماده ۱۵ دارد مشارکت نماید. به موجب بند یک بخش ب از ماده ۱۵ حق برخورداری از مزایای پیشرفت علمی و کاربردهای آن به رسمیت شناخته شده است. حق بهره مندی از حمایت از منافع معنوی و مادی ناشی از هر گونه تولید علمی، ادبی یا هنری که نویسنده آن است بر اساس ماده ۱۵ بند یک، بخش ج باید تضمین شود. و از همه مهمتر، برای تامین مقصود این نوشتار، حق هر کس برای شرکت در زندگی فرهنگی که در اصل با حق آموزش (مواد ۱۳ و ۱۴) نیز مرتبط می باشد، و از طریق آن افراد و جوامع ارزش‌ها، مذهب، آداب و رسوم، زبان و دیگر منابع فرهنگی خود را پاس می دارند و به نسل های آینده منتقل می کنند، توسط میثاق مذکور به رسمیت شناخته شده است. ایجاد فضای درک متقابل و احترام به ارزش های فرهنگی و حق مشارک در زندگی فرهنگی ، و همچنین حق تعیین سرنوشت همه مردم (ماده یک) و حق استاندارد زندگی مناسب (ماده ۱۱) از دیگر اجزای حقوق فرهنگی مردم می باشد.

۵. ذکر پاره ای دیگر از اسناد بین المللی در حمایت از حقوق فرهنگی مردم برای برخورداری از آیین و رسوم ملی و فرهنگی آنان نیز خالی از اعراب نیست:

* اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی[[21]](#footnote-21)
* اعلامیه ملل متحد در باره حقوق مردم بومی[[22]](#footnote-22)
* مقاوله نامه مربوط به مردمان بومی و قبیله نشین در کشورهای مستقل[[23]](#footnote-23)
* مقاوله نامه یونسکو برای حفاظت از میراث فرهنگی نا ملموس[[24]](#footnote-24)
* مقاوله نامه یونسکو برای حفاظت و ارتقای تنوع متون فرهنگی[[25]](#footnote-25)
* مقاوله نامه لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در صورت درگیری مسلحانه و دو پروتکل آن[[26]](#footnote-26)
* مقاوله نامه منع و جلوگیری از واردات، صادرات و حمل و نقل غیرقانونی مالکیت اموال فرهنگی[[27]](#footnote-27)
* مقاوله نامه در مورد حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهانی[[28]](#footnote-28)
* توصیه در مورد وضعیت هنرمند[[29]](#footnote-29)
* اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی[[30]](#footnote-30)
* مقاوله نامه حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب[[31]](#footnote-31)

• اعلامیه یونسکو در مورد تخریب عمدی میراث فرهنگی[[32]](#footnote-32)

* توصیه در مورد حفاظت و ترویج موزه ها و مجموعه ها، تنوع و نقش آنها در جامعه[[33]](#footnote-33)

**بزرگداشت نوروز به عنوان میراث ملی**

یکی از ابعاد الهام بخش تلاشهای جامعه جهانی برای شناسایی حقوق فرهنگی مردم و ملتها به عنوان حقوق بشر، در مقاوله نامه یونسکو برای حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس متبلور یافته است. به عنوان نتیجه گیری کوتاهی، مطالعه بخشهایی از این مقاوله نامه می تواند اهمیت بزرگداشت نوروز به عنوان میراث ملی و ضرورت احترام و پیشبرد آن برای حفظ و توسعه هویت ملی را بهتر و بیشتر توضیح دهد. بر اساس مقاوله نامه مذکور، میراث فرهنگی به مراتب فراتر از آثار و بناهای تاریخی ملموس و مجسم می باشد و دایره شمول آن به سنت های شفاهی، هنرهای نمایشی، اعمال اجتماعی، آیین ها، رویدادها و جشن ها، دانش و اعمال مربوط به طبیعت و جهان یا دانش و مهارت های تولید سنتی آنها نیز توسعه می یابد. "این میراث فرهنگی ناملموس که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، به‌طور مداوم توسط جوامع و گروه‌ها در واکنش به محیط، تعامل آنها با طبیعت و تاریخشان بازآفرینی می‌شود و حس هویت و تداوم را برای آن‌ها فراهم می‌کند و در نتیجه احترام به تنوع فرهنگی و فرهنگی را ترویج می‌کند"[[34]](#footnote-34). هدف از این شناسایی میراث فرهنگی ناملموس این است که احترام به آن و تلاش برای ترویج یک چنین آثاری را در پرتو با اسناد بین المللی حقوق بشر موجود، و بر اساس احترام متقابل بین جوامع، گروه ها و افراد و اهداف توسعه پایدار، تامین نماید.

توضیح چهار ویژگی برجسته میراث فرهنگی می تواند برای درک اهمیت نوروز به عنوان نمادی برای حفاظت، توسعه، و ترویج هویت ملی مفید باشد:

۱. میراث فرهنگی ناملموس هرچند ماهیتی باستانی با ریشه های کهنی در تاریخ ایران زمین دارد، آیینی معاصر و نیز مرتبط با نیازهای زندگی امروز ایرانیان است که ظرفیت بالایی برای حفظ انسجام ملی در شرایط گزار به سوی رهایی و دمکراسی دارد. نوروز با بیان مهر ورزی و شفقت، آیین حیات و زندگی در برابر سیاهی و تباهی، و یادآوری اراده انسانی برای بازشناسی ایجاد پیوستگی در شرایط آزمون تاریخ، یکی از نمونه های مهم میراث ناملموس است که می تواند پیام های خود را در اختیار ملل دیگر نیز قرار دهد. مقاوله نامه این موضوع را در ماده یک، بندهای سوم و چهارم آشکارا بیان داشته است: "افزایش آگاهی در سطوح محلی، ملی، و بین المللی در مورد میراث فرهنگی نا ملموس برای اطمینان یافتن از همکاری ها و کمک های بین المللی". درحقیقت، نوروز این استعداد بالقوه را دارد تا بتواند با اشاعه پیام های مهرانگیز خود جهانیان را به تامل در خصوص مفهوم حیات به عنوان بدیلی در مقابله تباهی ها و ابعاد مخرب پیش روی مردمان جهان بازگشاید. این ویژگی را مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۰ در جلسه شصت و چهارم با قطعنامه شماره ۲۵۳/۶۴ با عنوان "روز بین المللی نوروز"[[35]](#footnote-35)، اعلام کرده است. این قطعنامه ضرورت یک چنین اعلانی را در پرتو اهداف ملل متحد (یعنی احترام به ارزش و حقوق ذاتی انسان ها به عنوان پیش شرطی برای جهانی صلح آمیز و مبتنی بر عدالت، همکاری های فرهنگی میان ملتها (ایجاد فرآیندی برای یادگیری متقابل)، تاکید بر تنوع فرهنگی، اهمیت تلاش برای افزایش آگاهی های عمومی برای استعدادهایی که در سنن ، میراث فرهنگی ملموس و نا ملموس قرار دارد، روابط میان تمدنی برای ایجاد تعاملات سازنده میان ملتها، و فرهنگ به عنوان راهنمایی برای زندگی موزون با طبیعت، یاد کرده و توضیح داده است.

۲. میراث فرهنگی نا ملموس نوروز در ماهیت خود پیام هایی را متبادل می سازد که فراگیر و در برگیرنده می باشند. روز نو، آغازی نو، حیاتی نو همراه با زیبایی و موزونی طبیعت پیامهایی هستند که توسط هر انسانی در هر کجای تمدن کنونی جهان که قرار گرفته باشد، قابل درک است. این پیام ها با طبیعت انسانی سازگار بوده و می تواند اراده لازم برای تبادل آن پیام ها به دیگران و ایجاد همکاری های لازم برای ساختن جهانی عاری از کینه ورزی و خشونت را نوید دهد. این پیام ها از نسلی به نسل دیگر منتقل می شوند، و به دلیل همان موزونی خود با طبیعت انسانی، توان بالقوه ای در تامین اهداف توسعه پایدار ملل متحد دارند. افزون براین، پیام های مهرورزی نوروز احساس هویتی انسانی را در همه مردم بر می انگیزد تا فراتر از محدودیت های فرهنگی خویش از یکدیگر یاد بگیرند چگونه می توانند با هم مهربان باشند، به عقاید یکدیگر احترام بگذارند، و چگونه دست در دست یکدیگر برای جهانی عاری از ظلم و خشونت بکوشند. از این جهت پیام های نوروز ویژگی جهان روایی و فراگیری دارند. بنابراین باید بر روی ابعاد آموزشی و فرهنگی نوروز تمرکز ویژه ای مبذول داشته و کوشید از طریق ارتقای آگاهی های عمومی امکان ظرفیت سازی ملتها برای تعامل با یکدیگر را هموار نمود. این ویژگی را می توان از مفاد ماده ۱۴ و ۱۵ مقاوله نامه مذکور مستفاد نمود.

۳. میراث فرهنگی ناملموس به دلیل عطف توجه فراوانی که به رسوم، آیین ها، و ارزشهای فرهنگی و هویت ملتها دارد، از فرو افتادن در کالایی شدن فرهنگ و هنر جلوگیری می کند و را برای سودجویی و منفعت طلبی مسدود می سازد. به همین خاطر مقاوله نامه با تاکید بر حفاظت از میراث نا ملموس دولتهای عضو را موظف می سازد تا از طریق برنامه های ملی و همکاری های های بین المللی این گوهر بشری که در طول تاریخ ملتها شکل گرفته است را ارج نهند (مواد ۱۸ تا ۲۴). این کارکرد میراث ناملموس رویکردهای مبتنی بر رشد اقتصادی که تنها و تنها درآمد ناخالص داخلی ، تولید ملی را معیار و ملاک توسعه یافتگی می دانند، به چالش می کشد، و با مشارکت در مفهوم توسعه یافتگی همه جانبه نقش میراث فرهنگی در توسعه پایدارملتها را برجسته می سازد. با یادآوری نظریه "گوله" در باره علل و برآیندهای توسعه نیافتگی، میراث نا ملموس فرهنگی با تاکید بر حقوق ذاتی همه مردم به عنوان حقوق بشر، راه کارهای موثر و قابل اتکایی را برای عبور از ناامیدی و هدایت مردم به سوی توانمند شدن هموار می سازد. در این نگرش فرهنگ و میراث فرهنگی گوهر اصلی خوداتکایی و عزت نفس مردم و ملتها را به آنان یادآوری کرده و به آنها می آموزد که تقلید و پیروی از روشهای دیگران ضرورتا راه آنها به سوی رشد و تعالی را هموار نمی سازد.

۴. میراث فرهنگی ناملموس تنها زمانی می تواند به عنوان میراث برای ملتها محسوب شود که آحاد آن ملت برآن اتفاق نظر داشته باشند. این مردم هستند که به گونه ای خود جوش سنن و آیین های ملی، همچنین جشن ها و مراسم فرهنگی خود را که در طول تاریخ آنها همواره حفظ شده و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است، به دیگران انتقال می دهند. بنابراین، حفظ و حراست از آیین های ملی در متن مرکزی خود نوعی احساس همکاری های اجتماعی و تعهد برای حفاظت و پیشبرد آن با خود حمل می کند. بطور کلی نمی توان از میراث فرهنگی سخن گفت اگر آحاد افراد جامعه در آن احساس تعاون و هویت نداشته باشند. گرامی داشت نوروز به عنوان برجسته ترین آیین های ایرانی، به عنوان مثال، نمی تواند در قبضه گروه خاصی باشد، و یا اینکه آنرا در پناه توجیهات مذهبی به حاشیه راند، و یا اینکه اهمیت آنرا برای هویت ملی فقط به برگزاری جشن هایی محدود نمود بدون آنکه تلاشهایی را به عنوان تعهد ملی و فرهنگی برای شناخت پیام های آن و انتقال به دیگران از نظر دور داشت. هیچکس نمی تواند نوروز را از سوی دیگران نمایندگی کند، و یا فهم و ادراک خود را با پیام نوروز برای بزرگداشت حیات محدود نماید. نوروز برآمده از یک فرهنگ جمعی است، و با این حرکت جمعی در تاریخ ماندگار و جاودانه خواهد ماند.

1. Happiness: Towards a Holistic Approach to Development. GA Res. 65/309, 25 August 2011. [↑](#footnote-ref-1)
2. Note by Secretary General, 67th session, agenda item 14, 16 January 2013. [↑](#footnote-ref-2)
3. ### Development and International Co-operation: Environment, Report of the World Commission on Environment and development, Note by the Secretary-General. 42nd session, 4 August 1987.

   [↑](#footnote-ref-3)
4. General Assembly, [Res. 66/288. The Future We Want](http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/RES/66/288&Lang=E). [↑](#footnote-ref-4)
5. Hopelessness. [↑](#footnote-ref-5)
6. Powerlessness. [↑](#footnote-ref-6)
7. Goulet, D. (1971). *The Cruel Choice. A New Concept in the Theory of Development*. Athenium: University Press of America. [↑](#footnote-ref-7)
8. Op nit., p. 49. [↑](#footnote-ref-8)
9. Aristotle (2012). *Nicomachean Ethics*. New York: Dover Publications Inc. [↑](#footnote-ref-9)
10. Supra note 2, p. 4. [↑](#footnote-ref-10)
11. Sicco Mansholt (1908 – 1995). [↑](#footnote-ref-11)
12. Sicco, “[Gross National Happiness (GNH) instead of Gross National Product (GNP)](https://www.iim-edu.org/grossnationalhappiness/GNH-Europe-Sicco-Mansholt.pdf)”. See: https://www.iim-edu.org/grossnationalhappiness/GNH-Europe-Sicco-Mansholt.pdf. [↑](#footnote-ref-12)
13. Human Rights Council, June 2010 ([**A/HRC/14/36**](https://undocs.org/en/A/HRC/14/36)**).** [↑](#footnote-ref-13)
14. Dialogical. [↑](#footnote-ref-14)
15. A framework of interlocution. [↑](#footnote-ref-15)
16. UDHR, aricle 27(1): Everyone has the right freely to participate in the cultural life of the community, to enjoy the arts and to share in scientific advancement and its benefits. [↑](#footnote-ref-16)
17. The Un Charter, Preamble, para. 4: “to promote social progress and better standards of life in larger freedom”. [↑](#footnote-ref-17)
18. Charter, articles 1(4) and 2(2). [↑](#footnote-ref-18)
19. International Convention on Civil and Political Rights (ICCPR), GA Res. 2200A (XXI), 16 December 1966. Article 2(1). [↑](#footnote-ref-19)
20. ICCPR, Article 2(2). [↑](#footnote-ref-20)
21. # Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities, GA Res.47/135, 18 December 1992.

    [↑](#footnote-ref-21)
22. United Nations Declaration on the Rights of Indigenous Peoples, GA Res. 61/295, 02 October 2007. [↑](#footnote-ref-22)
23. # Indigenous and Tribal Peoples Convention, 1989 (No. 169).

    [↑](#footnote-ref-23)
24. Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage, MISC/2003/CLT/CH/14. [↑](#footnote-ref-24)
25. Convention on the Protection and the Promotion of the Diversity of Cultural Expressions, CLT.2005/CONVENTION DIVERSITE-CULT REV.2 [↑](#footnote-ref-25)
26. [The Hague Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict and its two (1954 and 1999) Protocols](http://www.unesco.org/new/en/culture/themes/armed-conflict-and-heritage/convention-and-protocols/) [↑](#footnote-ref-26)
27. [Convention on the Means of Prohibiting and Preventing the Illicit Import, Export and Transport of Ownership of Cultural Property (1970)](http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL_ID=13039&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html) [↑](#footnote-ref-27)
28. [Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage (1972)](https://whc.unesco.org/en/conventiontext/) [↑](#footnote-ref-28)
29. Recommendation Concerning the Status of the Artist (1980) [↑](#footnote-ref-29)
30. [Universal Declaration on Cultural Diversity (2001)](http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL_ID=13179&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html) [↑](#footnote-ref-30)
31. [Convention on the Protection of the Underwater Cultural Heritage (2001)](http://www.unesco.org/new/en/culture/themes/underwater-cultural-heritage/2001-convention/official-text/) [↑](#footnote-ref-31)
32. [UNESCO Declaration Concerning the Intentional Destruction of Cultural Heritage (2003)](http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL_ID=17718&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html) [↑](#footnote-ref-32)
33. [Recommendation Concerning the Protection and Promotion of Museums and Collections, Their Diversity and Their Sole in Society (2015)](https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000246331) [↑](#footnote-ref-33)
34. Supra note 24, article 2. [↑](#footnote-ref-34)
35. International Day of Nowruz, GA Res. 64/253, 10 May 2010. [↑](#footnote-ref-35)